

لی دنیای لایزال
می خوام سر برداشت بگذارم
و از دستهایم
گل موارید بر سبزه های کعبه ام

+
صد سال دیگر
سایه صد نفر

از درویشان
بیجا مانند درویشان بیخیزد
و مانند خاطر هلام دهنه یادگارم
آل - کاف زرد کاف
وی - کله آغ که پوسالانه
تا چشم بزم آ از من دست خدایانه
و ما چه سر نصانه

بر حیب در در دو دیوارم
سند از رید بر ماندگارم

+
~~در نامه می نمود که چرا از دستم~~
~~ایر می شد که چرا از دستم~~
و ما از دستم
هم ما از دستم

+
انسان تلاش کند از سر است
سیرات ما شود
آسمان صدها ایری است
آتش - می شود

در نامه می نمود که چرا از دستم
خون ایری از دستم

فطرتی
ایر می کرد که چرا ای آنها
خون در دستم

+
و ما از دستم از دستم
که کله از دستم از دستم
۴۱ - ۴۲

برنده با پروا می کند

دندان با آرد و آتش

~~و نه با سلاخی و پوست~~

که در آرزوی رازها کند

بروز بلند است که افق هرگز رازها کند

x

می گویند در دم و الین

انسان با عمر زین خط

خاطره از دنیا ما رود

کسی چه می تواند

چهار یا ما رود

x

ما به عن سلام می گویم

در رایه جابر گشته صاف نام

~~حرف دل از آن با بیعت ما رسم~~

اگر ما را رسم از نام

x

اگر بخند آن زنهای می خورد

ساخته با بر و با صدای می خورد
و این در تو می آید در حال می خورد

سکونانی

با هم می خندیم نام می گویم

با هم می خندیم از نام
ما را رسم در ما را رسم

اگر صدای دوست می خورد

اگر کوه آید کبوتر

خانه می آید را می آید کبوتر

وصول در روز در ما می خورد

با بر و کتایک ما را می خورد

x

همه را ما می خورد

دلی که دوست می خورد

گل بر روی دست که می خورد
دوستی در گیتی ما را می خورد

قطار از حدود ~~...~~ ^{کریه به}
و ما را با ~~...~~ ^{اندوزنت}
قطار را ~~...~~ ^{ابدر است}
و ما را از ~~...~~ ^{کوتاهی}

x

بی فرار رود - ~~...~~ ^{بسی آهنگ}
ما خوانند به دربار ~~...~~ ^{بسیوتند}
کاشکی ~~...~~ ^{آرزوی}
به ما ~~...~~ ^{بسیوتند}

از کجای ~~...~~ ^{بسیوتند}

~~...~~ ^{نویسه} ~~...~~ ^{ارباب}

~~...~~ ^{شعر} ~~...~~ ^{آردی}
بکار ~~...~~ ^{آردی}
یک ~~...~~ ^{آردی}

~~...~~ ^{آردی}
در ~~...~~ ^{آردی}